



پس آلن داندسن

اسفند وحشی

پژوهشی دربارهٔ سحر و جادو در فرهنگ عامهٔ ایران

ترجمهٔ ابوالقاسم سزّی



فرهنگ جاوید

فهرست

| | |
|-----|-------------------------------------------|
| ۹ | فهرست پیکره‌ها |
| ۱۱ | یادداشت مترجم |
| ۱۵ | پیش‌گفتار |
| ۱۹ | فصل اوّل: چشم بد |
| ۳۳ | فصل دوّم: مراسم زاده شدن کودک |
| ۴۵ | فصل سوّم: جنّ |
| ۶۱ | فصل چهارم: عشق و زناشویی |
| ۷۱ | فصل پنجم: قدسیان، سیدان و زیارتگاه‌ها |
| ۷۹ | فصل ششم: زیارت |
| ۸۹ | فصل هفتم: مرگ، رسم‌های خاکسپاری و رستاخیز |
| ۱۰۱ | فصل هشتم: فرشتگان |
| ۱۰۹ | فصل نهم: قربانی‌ها |
| ۱۱۵ | فصل دهم: کوه قاف و باورهای مربوط به آن |
| ۱۲۳ | فصل یازدهم: فصل‌ها و آب‌وهوا |

فهرست پیکره‌ها

| | | | |
|-----|---------------------------------------|-----|----------------------------------------------------------------|
| | | ۱۳۱ | فصل دوازدهم: آسمان‌ها و اجرام سماوی |
| | | ۱۳۹ | فصل سیزدهم: نام‌ها و شماره‌ها |
| | | ۱۴۵ | فصل چهاردهم: سوگندها، نفرین‌ها و دعاها |
| | | ۱۵۳ | فصل پانزدهم: سالنامه |
| | | ۱۶۵ | فصل شانزدهم: قرآن |
| | | ۱۷۹ | فصل هفدهم: درختان و گیاهان |
| | | ۱۸۷ | فصل هجدهم: سنگ‌ها و فلزها |
| | | ۱۹۹ | فصل نوزدهم: چهارپایان و پرندگان |
| | | ۲۱۱ | فصل بیستم: مار و کژدم و حشره‌ها |
| | | ۲۱۹ | فصل بیست و یکم: رؤیاها و خواب |
| | | | فصل بیست و دوم: گریستن، انداختن آب دهان، نفس کشیدن و عطسه کردن |
| | | ۲۲۵ | |
| | | ۲۳۳ | فصل بیست و سوم: ناخن، مو و دندان |
| | | ۲۳۹ | فصل بیست و چهارم: خوراک‌ها |
| | | ۲۴۵ | فصل بیست و پنجم: پیشگویی و جن‌گیری |
| | | ۲۵۵ | فصل بیست و ششم: طلسم و نشانه‌ها |
| | | | نمایه |
| | | ۲۶۳ | |
| دو | بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ | | |
| ۲۸ | طلسم‌های ضد چشم بد | | |
| ۵۳ | طلسم‌های نگه دارنده | | |
| ۶۵ | طلسم‌های عشق | | |
| ۱۶۷ | تعویذ قرآنی | | |
| ۲۵۶ | زنجیر سحرزن روستایی | | |

فصل اوّل

چشم بد

ایرانیان مثلی دارند که می‌گویند «چشم بد شتر را در لگن و آدم را در گور می‌گذارد.»^۱ بی‌گمان هراس از چشم بد بیش از دیگر خرافه‌ها در بین مردم رواج دارد. گفتار معمولی با «ماشاءالله» و «ان‌شاءالله» قطع می‌شود تا خودشان را در برابر آسیبی که ممکن است در پس یک قدردانی یا ستایش کمین کرده باشد حفظ کنند. هنگامی که از بیماری سخن می‌گویند واژگانی مانند: «نظر» (افسونی که چشم بدخواه کرده)، «چشم‌زخم»، «چشم‌زده» بارها به‌کار می‌رود.

اما آن چیست که آن را «چشم بد» می‌شمارند؟ مردم برآنند که در چشم‌های بد نیرویی است که به هرچه بنگرند، برای آن بدی می‌آورند. این چشم‌ها را به شیوه‌های گونه‌گون وصف کرده‌اند؛ مانند «چشم‌شور»، «چشم‌زخم» و «چشم‌تنگ». این بازپسین اصطلاح اشاره دارد به چشمی که از رهگذر حرص و طمع افسون می‌کند.

بیش‌تر مردم عادی به «چشم‌زخم» و تأثیرهای آن باور دارند اما هستند

۱. مجلسی، حلیة المؤمنین، ص. ۸۸.

کسانی که تنها به آن باورهایی که رد پای شان تا قرآن یا یکی از پیامبران و امامان می‌رسد، اعتقاد دارند. سند معتبر آنان سوره ۶۸ [قلم]، آیه ۵۱ است: «به تعریف کافران زمانی که قرآن را می‌شنوند هشدار، تو را چشم می‌زنند و می‌گویند او بی‌گمان دیوانه است.»

روایت است که در روزگار محمد^ص زنی از مخالفان خواست بر سر او بلایی بیاورد. به تکه ریسمانی هفت گره زد و بر هر گره نفس خود را دمید و امید داشت نفوذ محمد^ص را در میان مردم از میان برده، کارهایش را هدر دهد. آن ریسمان و هدف آن کشف شد و «چهارقل» به محمد^ص وحی شد^۱ تا از چنان زنانی بهر اسد و به خدا اعتماد کند. بنابه معمول، این چهار سوره مؤثرترین شیوه برای رفع چشم بد دانسته شده است. هرکس که فکر می‌کند دچار چشم بد شده، آن نوشته‌ها را نگه می‌دارد یا پیوسته خوانده می‌شوند تا اثرهای آن از میان رود.

پیغمبر کاربرد طلسم علیه چشم بد را روا دانسته است. اسماء، دختر امیه، روایت می‌کند: «هنگامی که به ایشان گفتم ای پیغمبر خانواده جعفر به نفوذ بلای چشم بد دچار شده‌اند آیا برای آن‌ها طلسم بکنم؟ او پاسخ داد آری، اگر در دنیا چیزی باشد که بر سرنوشت غلبه کند، چشم بد است.»^۲

کاری که بنابه عادت برای دفع چشم بد می‌کنند، گفتن «ماشاءالله» (آنچه خدا خواهد)، است که مأخذ کاربرد آن سوره ۱۸ [کهف]، آیه ۳۹ است: «چون داخل باغ شدی چرا نگفتی: ماشاءالله؟ نیرویی جز به [قدرت] خدا نیست.» پیش از همه ستودن‌های تعارف‌آمیز باید «ماشاءالله» گفته شود و نگفتن این پیش از ستایش و تعریف از یک کودک، بی‌گمان علت هر بیماری یا بدبختی دانسته خواهد شد که در آینده‌ای نزدیک پیش می‌آید.

هنگامی که کسی از قصد خود به انجام کاری سخن می‌گوید باید «ان شاءالله» بگوید چون آینده با خداست. با نگفتن این سخن احتمال هست که آن کار نشود. مأخذ این دوراندیشی سوره ۱۸ [کهف]، آیه ۲۳ و ۴۲ است: «و زنهار در مورد

۱. قرآن، سوره‌های ۱۰۹ [کافرون]، ۱۱۲ [اخلاص]، ۱۱۳ [فلق]، ۱۱۴ [ناس].

2. Hughes, "Dictionary of Islam," quoted from the *Mishkat*, book xxi., ch. i., part 2.

چیزی مگوی من آن را فردا انجام خواهم داد، مگر آن که خدا بخواهد.» چنان که ادول^۱ یادآور شده، محمد^ص در پاسخ یهودیانی که از تاریخ اصحاب کهف پرسیده بودند، بدون ذکر ان شاء الله گفته بود که آن را فردا خواهم گفت؛ حال آن که این کار در سوره ۱۲ [یوسف]، آیه ۱۰۰، سفارش شده است: «... پروردگار من نسبت به آنچه بخواهد صاحب لطف است زیرا که او دانای حکیم است.»

قرآن پرهیز از وضعی را که موجب شگفتی دیگران شود مصلحت می‌شمارد. در سوره ۱۲ [یوسف]، آیه ۶۷ آمده است که وقتی یعقوب پسرانش را برای گرفتن غله به مصر فرستاد به آنان اندرز داد: «ای پسران من [همه] از یک دروازه [به شهر] درنیایید، بلکه از دروازه‌های مختلف وارد شوید، و من [با این سفارش] چیزی از [قضای] خود را از شما دفع نمی‌توانم داشت. . .» شیخی که آگاهی‌هایی دربارهٔ این آیه فراهم کرد توضیح داد که یازده پسر از یک پدر، در هر جا ستایش‌انگیز می‌شوند. وی افزود که ایرانیان برای پرهیز از انگشت‌نما شدن، گروهی بیرون نمی‌روند بلکه جدا جدا، به تنهایی یا دوتا دوتا بیرون می‌روند که شگفتی‌نیاکنگینند. هنگامی که مردم به علت بزرگی خانواده، دارایی، گله و رمه شگفتی‌انگیز می‌شوند، به هراس می‌افتند؛ حسادت، چشم‌تنگی و کوتاه‌بینی با پیامدهای شوم از راه می‌رسد. اگر کسی جامهٔ جذاب پوشیده باشد چون به خیابان رود در خطر است، از این رو پیش از بیرون رفتن باید دو تا از چهارقل را بخواند^۲ تا خود را از آسیب احتمالی حفظ کند.

باور بر این است که آیه‌های فراوانی از قرآن در برابر چشم بد نیروی بازدارنده دارد اما آن دو که بسیار به کار می‌رود (سوره ۱۰ [یونس]، آیه ۸۱): «پس چون افکندند موسی گفت: آنچه را شما به میان آوردید سحر است. به زودی خدا آن را باطل خواهد کرد آری خدا کار مفسدان را تأیید نمی‌کند.» و سوره ۱۲ [یوسف]، آیه ۶۵: «و هنگامی که بارهای خود را گشودند، دریافتند که سرمایه‌های‌شان بدان‌ها بازگردانیده شده است. گفتند: ای پدر [دیگر] چه می‌خواهیم؟ این

۱. John Medows Rodwell (۱۸۰۸-۱۹۰۰)؛ روحانی انگلیسی که قرآن را در ۱۸۶۱ ترجمه کرد. (مترجم)

۲. ترجمهٔ رادول از قرآن (3) (Koran, p. 182, note 3).

۳. مجلسی، حلیة المتقین، ص. ۸۸.